

تبیین و حیانی فرهنگ دینی در پرتو نماز^۱

فاطمه احمدی بیغش^۲

زهره منصوری^۳

چکیده

دین، به جهت برخورداری از جامعیت و تأثیر شگرفی که بر امور خرد و کلان حیات بشر می‌گذارد، شالوده و یگانه محور منظومه فرهنگ بوده است. دین، معیار، محتوابخش و جهت‌دهنده تمام فعالیت‌ها و تصمیمات فرهنگی است. پیشرفت و توسعه فرهنگ دینی، زمانی به انجام می‌رسد که دربردارنده تعالی فرهنگی باشد. هدف از آن این است که در مسیر اجرای امور الهی گام بردارد، و سعادت فرد را در دنیا و آخرت تضمین نماید. از آنجاکه نماز حلقه‌ی ارتباط خلق با خالق خویش است، در این مجال از اصول متعدد فکری همچون اصل تأثیر بر زندگی معنوی و مادی، فرهنگ‌سازی الهی و اصل حاکمیت دینی، امر به معروف، نهی از منکر - که تاکنون نسبت به آن کار نشده - سخن به میان آمده است. آنچه به عنوان ره‌آورد پژوهش از این تحقیق استنباط می‌شود این است که، نماز آگاهانه و با شرایطی که برنامه نظام تربیتی اسلام برای مسلمانان در نظر دارد، با انجام صحیح و روشمند، اصلاح فکری، فردی، اجتماعی و... را در پی دارد تا زمینه پیشرفت، توسعه و تعالی فرهنگ دینی را فراهم آورند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به کتب و مقالات معتبر، تدوین شده و اهتمام دارد رویکردی جدید همراه با مباحث مهمی همچون اصول کاربردی، اصول متعدد فکری، فرهنگ‌سازی الهی و... را بیان دارد.

واژگان کلیدی: دین، پیشرفت، فرهنگ دینی، منظومه فرهنگ.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تأیید نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

۲. کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، ایران. (نویسنده مسئول).
yazahra0313@yahoo.com

۳. دکترای تخصصی مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، ایران.

۱. طرح مسئله

نظام دین اسلام بر اساس رابطه با خداوند متعال بنا گذاشته شده است که این رابطه در اولویت اول و با تنیده شدن به امور اجتماعی، حقوق فردی و اجتماع، ابعاد جذابی را در ایجاد یک معنویت اجتماعی در طول تاریخ خود به نمایش می‌گذارد. نماز یکی از برنامه‌های عملی و ضروری اسلام برای رابطه با خداوند متعال است که محکم کننده رابطه با خالق هستی است و مانند چشمه‌ای است که مؤمن در آن شست‌وشو می‌کند و آلودگی‌ها را از بین می‌برد. هدف از نماز رابط انسان با خداوند متعال است، نماز ستون دین است و مثالش همانند تیرک و ستون خیمه می‌باشد که چنانچه محکم و استوار باشد میخ‌ها و طناب‌های اطراف آن پابرجا خواهد بود ولی اگر ستون سست یا کج باشد میخ‌ها و طناب‌های اطراف آن نمی‌تواند پابرجا باشد (محمدبن حسن حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج: ۴، ۲۷، ح ۴۴۲۴).^۱ دین و دین‌دار بدون ارتباط با خداوند متعال در اسم، دین‌دار است و در عمل دین و دین‌داری بدون رابطه مداوم با خالق معنا ندارد. از گذشته تاکنون ترویج و اشاعه فرهنگ نماز در جامعه، سبب پیشرفت فرهنگ دینی، شده و تعالی فرهنگی و حس دیگر خواهی را در افراد جامعه شکوفاتر ساخته است. فلسفه نماز نزدیکی انسان به خدا است و با نماز انسان و جامعه تعالی می‌شود. گستره و فرهنگ نماز باید به یک فرهنگ عمومی و فراگیر مبدل شود که تحقق این مهم نیازمند همکاری و همیاری همگان است. اینک جای این سؤال باقی است که منظور از تبیین و حیانی فرهنگ دینی در پرتو نماز چیست؟

پیرامون عنوان تبیین و حیانی فرهنگ دینی در پرتو نماز تحقیقی صورت گرفته؛ اما عناوین مرتبط با این موضوع در مقاله انسان و دین نوشته آیت‌الله جوادی آملی آمده است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به کتب و مقالات معتبر، تدوین شده است.

هدف اصلی این مقاله آشنایی با اصول تبیین و حیانی فرهنگ دینی در پرتو نماز و اهداف جزئی‌تر آن و پیاده‌سازی اصول فکری، کاربردی، اصل امر به معروف و نهی از منکر و... و هم‌چنین سبک زندگی است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مفهوم شناسی

دین: «دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از جانب خداوند و از طریق وحی در اختیار انسان قرار می‌گیرد» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: شماره ۲۲۳، ۸-۵). با توجه به این تعریف، دین مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که اصول فکری، اصول گرایشی و اخلاقی و شئون زندگی او را تحت پوشش قرار می‌دهد و دستورالعمل الهی برای زندگی بشر است.

فرهنگ: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی‌گیرد، تعریف می‌شود (روح‌الامینی، بی تا: ۱۷-۱۸). در واقع فرهنگ راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان می‌باشد.

فرهنگ دینی: فرهنگ دینی یعنی وضع و روح حاکم بر مجموعه نگرش‌ها و تعاملات اجتماعی و محیطی جامعه که برخاسته از منابع و مبانی دین باشد. مقوله فرهنگ دارای بعد «بایسته مدار» است که نیک و مطلوب بوده و مطابق با

۱. امام باقر علیه السلام: «الصَّلاةُ عَمُودُ الدِّينِ، مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفِسطاطِ، إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الْاَوْتَادُ وَالْاَطْنَابُ، وَ إِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَاَنْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَ تَدَّ وَ لَا طَنْبُ.»

عالم عین و حق است. رسالت حاکمیت و جمهور در جامعه دینی آن است که بایسته‌های فرهنگی خود را شناخته و آن را جو غالب و حاکم بر جامعه خود نمایند (پور رستمی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). پیشرفت فرهنگ دینی نیز به معنای تقویت، رشد و توسعه این قوانین و عقاید و اخلاقیات، در مسیر نیازهای به‌روز انسان در جامعه دینی به سمت تعالی فرهنگ دینی می‌باشد.

نماز: «صلات» یا نماز به‌عنوان فعلی عبادی که به‌منظور دعا و نیز تعظیم الهی انجام می‌شود، یکی از مشترکات ادیان الهی است، هرچند شکل و نحوه‌ی انجام آن در ادیان مختلف متفاوت می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۵۳، ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۶۴).

۲-۲. تطور فرهنگ دینی در پرتو نماز

پیشرفت فرهنگ دینی زمانی به هدف خود که همان تعالی فرهنگی است، می‌رسد که در مسیر اجرای اوامر الهی گام بردارد. نماز حلقه ارتباط خلق با خالق خویش است (تقوی، ۱۳۸۵: ۳۶). قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) از زوایای متعددی به اصول فرهنگی اقامه این فریضه مهم پرداخته‌اند که در ادامه، در قالب دو اصل فکری و کاربردی، به برخی از آن‌ها اشاره مختصر می‌شود:

۲-۳. اصول فکری

اصول فکری، آن دسته از اصولی هستند که فکر و ذهن فرد را آماده و مهیا برای پذیرش و اجرایی کردن اصول عملیاتی کرده و زمینه‌ی مساعدی را برای تأثیر و پیشرفت هرچه بیشتر و بهتر این اصول در فرد و جامعه اسلامی، فراهم می‌آورد. زیرا فرهنگ (و بالخصوص فرهنگ دینی) از مقولاتی است که صرف اصول عملیاتی و اجرایی به‌تنهایی نمی‌تواند در اثربخشی و تأثیرپذیری در افراد نقش داشته باشد. (چه برسد به انتظار پیشرفت و توسعه!) و نیاز به اصول، بنیادها و زیر ساخت‌های فکری و ذهنی نیز ضروری و لازم می‌باشد (صاحبی، ۱۳۸۴: ۶۷). اصول فکری، موارد متعددی را شامل می‌شود که در زیر به‌طور مختصر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود که عبارتند از:

اصل فرهنگ‌سازی

نماز نشانه و پیشانی فرهنگی جامعه اسلامی و نوعی سپاسگزاری از خداوند متعال است؛ با ورود به دروازه تمدن شهر و کشور اسلامی آنچه باید بدرخشد مسئله نماز و اقامه نماز است (قرائتی، ۱۳۶۹: ۴۲، ۴۱، ۱۲). همان‌طور که می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ: (آنان که خدا را یاری می‌کنند) آن‌هایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند. « (حج / ۴۱) « مکننا» از ماده «تمکین»، و «تمکین» به معنی فراهم‌ساختن وسایل و ابزار کار است، اعم از آلات و ادوات لازم یا علم و آگاهی کافی و توان و نیروی جسمی و فکری (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۴: ۱۱۸). تمکین، قدرت بخشیدن و ابزار کار را در اختیار دیگری قرار دادن و راهنمایی کردن بر انجام کار است؛ یعنی ما به آن‌ها وسایل کارها را عطا کردیم و در زمین قدرت بخشیدیم تا نماز بگزایند و حقوق واجب مالی را ادا کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۴۰).

بر اساس این آیه هدف از فراهم‌ساختن وسایل و امکانات برای مؤمنان، برپایی نماز قبل از هر چیز معرفی شده است؛ از این‌رو خداوند متعال، اولین وظیفه مدیران و مسؤولان حکومت را برپایی نماز معرفی کرده و این بهترین راه فرهنگ‌سازی نماز و امور دینی است. بر همین اساس مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «نشانه‌ی ایمان صاحبان تمکن یعنی اقامه‌ی نماز، در جامعه‌ی اسلامی ما باید روز بروز نمایان تر گردد» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۹۲/۶/۱۱، پیام به بیست‌ودومین اجلاس سراسری نماز) شاید بتوان گفت اولین و مهم‌ترین عامل در تعالی

فرهنگی، گناه نکردن و پاک بودن از هر عمل خلاف دین، عقل و عرف است و این نماز است که انسان را در رسیدن به فرهنگ والا یاری می‌کند.

اجراشدن چنین فضایی در سطح جامعه اسلامی با کیفیت بخشیدن به نماز به دست می‌آید. نماز با کیفیت به دلیل تأثیر بر خودسازی فردی عامل اساسی پیشرفت، توسعه و تعالی فرهنگی متعالی است، نمازی که انسان را از خبط و خطا دور کند، زنگ خطر لازم را به موقع برای انسان به صدا درآورد، انسان را به سمت تشخیص راه صحیح و عمل به آن رهنمون می‌کند و البته با همگانی کردن این عبادت الهی همه جامعه در این فضا ماندگار خواهد شد (باقی زاده، ۱۳۷۸: ۱۳۶). این وظیفه، در عمل شخصی، کیفیت بخشیدن به نماز است، و در تلاش اجتماعی، ترویج نماز و همگانی کردن آن. کیفیت یافتن نماز بدین معنی است که نماز، با حال و حضور ادا شود؛ نمازگزار به نماز با چشم «میعاد ملاقات با خدا» بنگرد و در آن، با خدای خود سخن بگوید و خود را در حضور او ببیند (مظاهری، ۱۳۹۳: ۴۳، عزیز، ۱۳۸۹: ۳۶).

علامه جعفری از آن دسته اندیشمندانی است که بحث‌های مهمی درباره اصول فلسفی تمدن‌شناسی دارد. وی در کتاب «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه» درباره نقش فرهنگ در ایجاد تمدن اسلامی چنین بیان می‌کند «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز به فعلیت رسیدن استعدادها سازنده آن‌ها باشد و فرهنگ عبارت است از شیوه‌ی انتخاب‌شده برای کیفیت زندگی که با گذشت زمان و مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده‌های روانی و رویدادهای نافذ در حیات یک جامعه به وجود می‌آید» (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۳۳، جعفری، ۱۳۸۷: ۳۷۳). هر دوی آن به جز در موارد خاص رابطه مستقیم باهم دارند. نماز با خود نجات فرهنگی می‌آورد؛ نماز راه فرهنگ‌سازی ایمانی است فرهنگی که جهان‌بینی الهی را در دنیا ترویج می‌کند و معنویت و فرهنگ متعالی را هدف قرار می‌دهد؛ فرهنگ‌سازی الهی چه برای انسان‌ها و چه برای ترویج معنویت، بدون نماز امکان‌پذیر نیست؛ چراکه نماز در جای‌جای خود چه قبل از ورود به آن و چه در آن و چه در اذکارش همه و همه، حقوق مادی و نیاز معنوی انسان‌ها را در خود دارد (تقوی، ۱۳۸۵، ج ۱۵۳: ۳۷).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «اگر در جامعه‌ی اسلامی نماز در جایگاه شایسته‌ی خود قرارگیرد، همه‌ی تلاش‌های سازنده‌ی مادی و معنوی، راه خود را به سمت‌وسوی آرمان‌ها می‌گشاید و جامعه را به نقطه‌ی مطلوب آرمانی اسلام می‌رساند و اگر از اهمیت نماز غفلت شود و نماز مورد بی‌اعتنایی قرارگیرد، این مسیر به‌درستی طی نخواهد شد و تلاش‌ها و مجاهدت‌ها تأثیر لازم را در رساندن به قله‌ای که اسلام برای جامعه بشری ترسیم کرده است، نخواهد داشت» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۹۱/۶/۱۵).

آن‌جا که ارتباط با خدا برقرار می‌شود، دل‌ها بر اثر این ارتباط پاک، سبک شده، استعداد پذیرش مواعظ را بیشتر دارد و بهترین موقعیت برای رساندن پیام‌های الهی و فرهنگ‌سازی دینی و درواقع تعالی فرهنگی فراهم است. پیام‌های الهی مانند پیام‌های بشری نیست چراکه پیام وحدت است نه تکثر و جذبه‌های مادی (تقوی، ۱۳۸۵: ۷۰ و ۷۱) در نتیجه هر چه قدر انسان روح را پالایش کرده باشد و هر چه قدر در دریای الهی پاک‌شده باشد قدرت دریافت پیام‌های بیشتر و با کیفیت‌تری را داراست و به زندگی فرد و جامعه، سمت‌وسوی خدائی می‌دهد. یکی از بهترین گزینه‌ها برای ایجاد ارتباط با خداوند، نماز است. گذشته از آن‌که در روایات بر این گزینه فراوان تأکید شده، در میان سایر عبادات نیز، آسان‌ترین راهی است که انسان می‌تواند از آن طریق با خداوندش ارتباط برقرار کند. امام

صادق (علیه السلام) فرمودند: «خداوند سبحان فرمود: نزدیک نمی‌کند به سوی من، بنده‌ای از بندگانم را چیزی که محبوب‌تر باشد نزد من از نماز واجب، و بنده می‌باید، تقرب بجوید به سوی من با خواندن نماز نافله (نمازهای مستحبی مانند نوافل روزانه) تا او را دوست بدارم، هرگاه او را دوست داشتم من سامعه او که با آن می‌شنود و با صره او که با آن می‌بیند و زبان او که با آن سخن می‌گوید، و دست او که با آن کارهایی انجام می‌دهد خواهم شد، اگر مرا بخواند او را اجابت می‌کنم و اگر از من چیزی بخواهد به او می‌دهم. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۷۲، کلینی رازی، ۱۴۳۰، ج ۴: ۷۴، ح ۲۷۴۲، برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۵۴، ح ۱۰۴۷، ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ۷، اهوازی: ۱۴۰۴، ۳۲، ح ۶۱، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰: ۲۲، ح ۲۱) ^۱

ذکر مداوم سبب ارتباط قلبی انسان با خداوند می‌شود چنانچه خود فرمود: «لَا يَذْكُرُ اللَّهَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»: آگاه باشید با یاد خدا، قلبها آرامش پیدا می‌کند. (رعد/۲۸) مراد آیه آن است که ذکر خدا موجب ارتباط قلبی انسان با خدا می‌شود و ارتباط قلبی با خدا مایه آرامش انسان می‌گردد. و در آیه دیگری فرمود: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»: مرا یاد کنید، شما را یاد می‌کنم. (بقره/۱۵۲) نکته اساسی در همه این امور آن است که باید اعمالی که انسان انجام می‌دهد، به‌طور مداوم باشد تا اثر معنوی آن ظاهر گردد و گرنه با چند بار معلوم نیست، آن نورانیت مورد نظر و فواید مترتب بر آن‌ها در انسان پدید آید. در روایات معصومین (علیهم السلام) هم به این مسئله تصریح شده که خداوند عبادت مستمر و مداوم را گرچه کم باشد خیلی دوست دارد. (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۰۱-۴۰۰، دمشق، ۱۴۱۹، ح ۸: ۲۶۵، قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۳۶-۳۷) ^۲

اصل تأثیر بر توسعه معنویت

«معنویت» در لغت مصدری جعلی، و از واژه «معنوی» ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه معنی که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق گردیده است. بنابراین، معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. این کلمه در معانی دیگری از جمله: «حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی، و روحانی» نیز به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۱۰۱، ذیل واژه، عمید، ۱۳۴۲: ۹۷۴، ذیل واژه، دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه، انوری، ۱۳۸۲، ذیل واژه) انسان نماز گزار روزانه ۵ یا ۳ نوبت به درگاه خالق خود دعا می‌کند. به این معنا که خدا را به یاری خود می‌طلبد و از او انتظار امید به زندگی شایسته و سعادت‌مند را دارد. این نوع ارتباط معنوی به اعتقاد درونی منجر می‌شود، که در این صورت انسان موحد کسی را جز خدای سبحان امید و پشتوانه خود نمی‌داند و این احساس مایه انگیزش او در تمام عرصه‌ها خواهد بود. با توجه به اینکه خالق هستی رب‌العالمین است و تمامی فرهنگ از جانب او به بشر رسیده، شیوه دعا کردن را به بنده خود آموزش داده که چگونه با خدای خود سخن بگوید و چه چیزی را از او مسئلت نماید. در منابع روایی نماز به‌عنوان عمود دین و به‌منزله شاهرگ حیات طیبه است

۱. «وَمَا يَتَّقِرُّ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَّقِرُّ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ (في مرآة العقول: «بالنوافل») حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحَبَّهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَحَبَّهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيَهُ. (التوحيد، ۳۹۸، ح ۱)

۲. «حدیث رواه الشيخان و الترمذی عن عائشة قالت: «إن رسول الله (ص) سئل أي العمل أحب إلى الله؟ قال: أدومه و إن قلَّ.»

«عن رسول الله (ص): خير الأعمال ما ديم عليه.»

«عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَقُولُ إِنِّي لَأُحِبُّ أَنْ أَدُومَ عَلَى الْعَمَلِ وَإِنْ قَلَّ.»

«ما من شيء أحب إلى الله عزَّ وجلَّ من عملٍ يُدَاوَمُ عَلَيْهِ، و إن قلَّ.»

که بنده نمازگزار خود مقدمات آن را فراهم کرده و بنایی محکم و به سمت تعالی و رشد را در پیش می‌گیرد؛ تا در هنگام نیاز، بر آن تکیه زده و کمر راست کند. بنابراین، این بنا هرچه محکم‌تر شود بهره‌وری آن نیز افزون خواهد بود و این‌گونه است که پیشرفت فرهنگ دینی در آن نمایان می‌شود و به هدف فرهنگ دینی که همان تعالی فرهنگی است دست می‌یابد. (وثوقی، ۱۳۸۰، ۳۹)

در قرآن کریم، نمازخواندن همراه با کسالت از ویژگی‌های منافقان شمرده شده است: «وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى: و هنگامی که به نماز می‌ایستند، از روی کسالت می‌ایستند» (نساء/۱۴۲) و نیز: «وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى: و نماز به‌جا نمی‌آورند جز با کسالت» (توبه/۵۴) اساساً چنین نمازی از درون تهی و بی‌ارزش و نشانه بی‌توجهی به نماز است. در اسلام به نماز و اهتمام به اول وقت خواندن نماز تأکید فراوان شده است، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «قَوْلٍ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ: پس وای بر نمازگزارانی که از آن غافلند.» (ماعون/۵۴) مراد از ساهون در آیه بالا، کسانی هستند که از اصل نماز غافلند؛ گاه آن را نمی‌خوانند و گاه آن را در آخر وقت می‌خوانند و یا آن‌که حضور قلب در نماز ندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲۷: ۳۶۱) در روایتی سازنده و هشداردهنده از حضرت علی (علیه‌السلام) درباره اهمیت به نماز آمده است: «هیچ کاری نزد خداوند محبوب‌تر از نماز نیست. پس نباید در وقت نماز هیچ‌یک از امور دنیا شما را مشغول سازد که خداوند گروهی را که از نماز سهو می‌کنند، نکوهش کرده است و مقصود، این است که این‌ها غفلت از نماز دارند و حریم وقت نماز را نگه نمی‌دارند.» (قمی، ۱۳۶۳: ۶۲۱، ح ۱۸)^۱ افزون بر توجه به اصل نماز، انسان باید توجه داشته باشد که هنگام نماز در مقابل حضرت حق ایستاده است و با او سخن می‌گوید. باید تمام وجود خویش را به این میهمانی ببرد تا شیطان جرأت و فرصت زمینه‌سازی برای خروج از این میهمانی را به دست نیاورد. گرچه توجه به این امر برای انسان‌های پرهیزگار، متقی و مجاهد امری آسان است، ولی به معنای ناامیدی سایر بندگان از عدم راه‌یابی به این مقام نیست بلکه دقت و ممارست در این موارد به مرور زمان تبدیل به یک فرهنگ دینی در افراد گشته و در نتیجه پیشرفت و تعالی فرهنگ دینی در اجتماع را به دنبال دارد (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ۴۳۴).

۲-۴. اصل تأثیر بر توسعه مادی

بی‌تردید انسان در زندگی مادی در تنگنانهایی قرار می‌گیرد و نیاز به پشتوانه‌ای مطمئن دارد. آنان که سطحی می‌اندیشند، تنها به پشتوانه مادی فکر می‌کنند، ولی آنان که الهی فکر می‌کنند، پیوسته خود را با پشتوانه معنوی از بن‌بست می‌رهانند. یکی از این تکیه‌گاه‌ها نماز است، نماز جلوه شکوهمند و برجسته یاد خدا و آرام‌بخش دل‌هاست که «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست» (رعد/۲۸) و با پیشرفت فرهنگ یاد خدا، می‌توان در تمامی مراحل زندگی، آن را رشد و توسعه داد و خود را به تعالی فرهنگی یاد خدا که تجلی آن در نماز است، رسانید.

قرآن کریم توصیه می‌کند که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها از نماز کمک بگیرید: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» و یاری جوئید از خدا به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداپرستان فروتن» (بقره/۴۵) وقتی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه و آله و سلم یا امامان معصوم

۱. «لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَا يَسْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ: الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» یعنی آن‌هم غافلون استهانوا بأوقاتها»

(علیهم‌السلام) با مشکلی روبه‌رو می‌شدند، به نماز روی می‌آوردند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «چه مانعی دارد وقتی که با غمی از غم‌های دنیا روبه‌رو می‌شوید، وضو بگیرید و به مسجد بروید، دو رکعت نماز بخوانید و در نماز دعا کنید؛ زیرا خداوند دستور داده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ: و یاری جویید از خدا به صبر و نماز» (بقره/۴۵) (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۵۹) ^۱ به یقین، استوارترین پشتوانه زندگی همین است و جز این، همه سست و دور از اعتمادند. همان‌گونه که خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی و سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی) حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند و اگر بدانند سست‌ترین بنا خانه عنکبوت است» (عنکبوت/۴۱)

معبودهای دروغین انسان‌های مادی‌گرا، نه سودی دارند و نه زبانی، نه مشکلی را حل می‌کنند و نه در روز بیچارگی پناهگاه کسی هستند. مثلاً کسی که نماز می‌خواند باید در زندگی مادی، از امور غصبی دور شود و حق مردم را به آن‌ها بازگرداند. چنین شخصی مطیع نماز است. اگر کسی مطیع نماز نباشد منتظر آثار نماز، حتی بر زندگی مادی خود باشد لذا نه تنها موجب رشد و پیشرفت در همه زمینه‌ها از جمله فرهنگ نمی‌شوند بلکه مانند سدی جلوی همه پیشرفت‌ها را گرفته و سبب زیانکاری انسان در دنیا و آخرت می‌شوند (تقوی، ۱۳۸۵: ۳۶، ۳۴)

از جمله آثار نماز می‌توان به آسایش؛ به‌عنوان مؤلفه خوشبختی و سعادت اشاره کرد. خداوند در این آیه و نیز آیات بسیار دیگر، بیان می‌کند که اگر انسان به رزق کریم (انفال/۴ و ۳)، فضل الهی (فتح/۲۹) ^۲ و بهره‌های اخروی از مادیات و معنویات نیاز دارد به نماز رو آورد و آن را برپا دارد. (بقره/۱۱۰، ^۴ ابراهیم/۳۱، ^۵ زمزم/۲۰) ^۶ بنابراین، با نماز می‌توان به سعادت واقعی و حقیقی دست‌یافت؛ زیرا آرامش و آسایشی که در پی برپایی نماز نصیب آدمی می‌شود، آرامش و آسایش ابدی است. پس مهم‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه بشر در طول تاریخ، با برپایی نماز برطرف می‌شود و انسان به سعادت و خوشبختی می‌رسد. خداوند در آیاتی از جمله ۴۵ و ۱۵۳ سوره بقره ^۷ و آیه ۱۳۲ سوره طه ^۸، نماز را آسان‌کننده سختی‌ها برای انسان معرفی می‌کند. پس اگر انسان هر سختی دارد می‌تواند از طریق نماز آن را به‌آسانی تبدیل کند. زمخشری ذیل آیه می‌نویسد که مقصود این است که در برابر بلاها و سختی‌ها به نماز پناه برید. (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۱، ۱۳۴) نماز همچنین استقامت را در انسان تقویت می‌کند و موجب می‌شود برخلاف همه فشارهای درونی و بیرونی، حرکت و مقاومت کند و آنچه را مأمور است یا مطلوب باشد به‌جا آورد. (هود/۱۱۲ و ۱۱۳) ^۹

۱. ما يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعُ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا؟ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؟

۲. الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ.

۳. ... يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا...

۴. وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

۵. قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ...

۶. ... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ...

۷. وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳).

۸. وَأَمَّا أَهْلُكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى.

۹. فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ ...

خداوند متعال نماز را از عوامل پایداری و استواری در دین (بینه/۵) ^۱ و مایه قوام و سامان دهنده امور اجتماعی می‌داند. (بینه/۴ و ۵) ^۲ چراکه یکی از مصادیق دین استوار، احکام و دستورهای است که حافظ مصالح جامعه است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۳۳۹) از این رو خداوند به‌صراحت در آیه ۱۷۰ سوره اعراف، به نقش نماز در اصلاح فرد و جامعه اشاره می‌کند و خواهان تمسک به نماز برای رسیدن به اهدافی از این دست می‌شود. ^۳ اقامه نماز همچنین از عوامل تحکیم برادری ایمانی و تقویت پایه‌های اخوت دینی میان مردم است که خود عامل مهم در همگرایی اجتماعی و همدلی و انسجام جامعه می‌باشد (توبه/۷ و ۱۱) ^۴ (امیدی، ۱۳۹۰، ۶).

۲-۵. اصل عزت

عزت به معنی نفوذناپذیری و مانع از مغلوب شدن انسان و ظلم و ستم ناپذیری او در برابر مستکبران است. (رافع اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۳۲) از آن‌جاکه تمام عزت در اختیار خداست، بی‌تردید، اطاعت از او، عزت‌آفرین و دوری از او، ذلت و زندگی نکبت‌بار است. لذا قرآن از کسانی که به سراغ غیر خدا می‌روند انتقاد می‌کند که آیا از غیر خدا عزت می‌خواهید؟ «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا:» آن گروه که کافران را دوست گیرند و مؤمنان را ترک گویند، آیا نزد کافران عزت می‌طلبند؟ عزت همه نزد خداست. (نساء/۱۳۹) در واقع کسی که آن حالت عبودیت را نسبت به خدا داشته باشد از منظر آیات قرآن دارای عزت حقیقی است و این عزت را خداوند متعال به این افراد عطا می‌کند. بدین ترتیب، پیروی از دستورات الهی، پیامبر و جانشینان آن حضرت که هر کدام به سرچشمه‌ی عزت، پیوسته‌اند، مایه‌ی عزتمندی است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۳: ۴۳۴).

طبیعی است که اتصال به عزیز مطلق و قدرت بی‌نهایت، به انسان عزت می‌دهد. عزت فردی که به معنای برخورداری فرد انسان‌ها از این روحیه است در اثر علل و عواملی چون تربیت، آموزش و پرورش، والدین، اجتماع و نوع حکومت، پیشرفت یا تضعیف می‌شود و آموزه‌های دینی، عزت فردی را مورد توجه قرار داده و در واقع، از فردسازی آغاز می‌کند. عزت اجتماعی نیز، در حوزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی در قالب وظیفه افراد در برابر جامعه بروز می‌کند. عزت - که روح حاکم بر فرهنگ دینی است - طاغوت‌ها را در نزد انسان حقیر، و او را در برابر آن‌ها عزیز می‌کند و بدین صورت پیشرفت فرهنگ دینی را در پی دارد. لذا قرآن به ما دستور می‌دهد که در سختی‌ها و مشکلات از نماز به‌عنوان تبلور عبادات کسب قدرت و قوت کنیم. (قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳۰) «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ:» از صبر و نماز یاری جوید» (بقره/۴۵) هنگامی که آیه استعانت از نماز را ذکر نموده در واقع راهنمایی می‌کند که صبر و نماز باعث عزت می‌شود، وقتی خداوند متعال امر می‌کند نتیجه عزت هم از ناحیه خداوند است.

۱. وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ.

۲. وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ. وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ.

۳. وَالَّذِينَ يَمْسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ.

۴. كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِذَا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷) فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِلُ آلَ بَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۱).

۲-۶. اصول کاربردی

پس از ایجاد زمینه و شرایط لازم توسط اصول فکری در افراد، برای به اجرا درآمدن این اصول فکری، نیاز به اصول کاربردی متعددی است، همان اصول کاربردی که در مقابل اصول نظری قرار می‌گیرد. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره مختصری می‌شود:

اصل حاکمیت دینی

حکومتی که مرجعیت همه جانبه دینی خاصی را در عرصه حکومت و اداره جامعه پذیرفته است، حکومت دینی نام می‌گیرد. در این نظام دولت و نهادهای گوناگون خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهبی خاص متعهد می‌دانند و تلاش می‌کنند تا در تدابیر و تعلیمات و وضع قوانین و شیوه‌سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم شکل‌های روابط اجتماعی، دغدغه‌دین داشته باشند و در تمام شئون حکومتی از تعالیم دینی الهام گیرند و آن‌ها را با دین هماهنگ سازند. بر اساس این تعریف حکومت دینی به دنبال تاسیس «جامعه دینی» است؛ یعنی می‌خواهد کلیه روابط اجتماعی را، اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی بر اساس آموزه‌های دینی شکل دهد (واعظی، ۱۳۸۶: ۳۲-۲۸) حاکم دینی وقتی مصالح دیگران را با اجرای احکام و تعالیم دین در تعارض ببیند، مصالح گروه را نادیده گرفته و اقامه دین را ترجیح می‌دهد. یکی از وظایف مهم حاکمین دینی تبلیغ و هدایت مردم به سوی عبودیت الهی و بندگی خداوند خصوصاً اقامه نماز در جامعه است تا از این طریق فرهنگ دینی پیشرفت و توسعه پیدا کرده و زمینه برای تعالی فرهنگ دینی در پرتو نماز را فراهم آورد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۷) «الَّذِينَ إِنَّمَا كُنَّا فِيهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ: (آنان که خدا را یاری می‌کنند) آن‌هایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند» (حج/۴۱).

این آیه توصیفی است از حاکمان دینی، می‌فرماید: آن‌ها کسانی هستند که اگر ایشان را در زمین قدرت و نیرو ببخشیم به‌گونه‌ای که هر کاری اراده کنند بتوانند، انجام دهند و هیچ مانعی نتواند سد راه آن‌ها شود، جامعه صالحی را به وجود می‌آورند که در آن شرایع و احکام الهی را بر پا می‌نمایند و در آن جامعه نماز پیا داشته و زکات داده می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. و این‌که از میان همه عبادات نماز و زکات را نام برد به جهت آن است که نماز والاترین مظاهر عبودیت و مظهر ارتباط بنده با خداست و زکات نیز مظهر ارتباط فرد با جامعه اوست. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۴: ۳۳۷) چنانچه امام حسین (علیه السلام) در تفسیر آیه مزبور فرمودند: «این آیه در مورد ما خاندان اهل بیت نازل شد و مصداق آن اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشند.» (حرانی، ۱۳۸۲: ۳۹۱) و همچنین این آیه بدان معنی نیست که وقتی حاکمان دینی به حکومت رسیدند اقامه نماز می‌کنند بلکه برای برپایی نماز در جامعه تلاش می‌کنند. بنابراین اگر حاکمیت در این امور که جزء مبانی و اصول اولیه دین می‌باشد تساهل بورزد، در این راستا قصور و کوتاهی داشته باشد، ارتباط و پیوند حاکم با اصول اساسی دین چون نماز سست گردد، در دینی بودن آن تردید هست. اگرچه این امر نباید به صورت تصنعی و صوری یا به نحو ابزاری مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا در این صورت نه تنها فرهنگ دینی رشد و توسعه‌ای نخواهد داشت بلکه موجب فروریختن بنیادهای فرهنگ دینی و در نتیجه جامعه اسلامی نیز می‌شود. اقامه نماز و توجه به این مهم، منجر به پیشرفت فرهنگ دینی می‌شود. لذا همین امر باعث تأثیر در اصل حاکمیت دینی و تقویت این اصل می‌شود.

اصل عدالت

عدالت به عنوان یک اصل فطری، در نظام تکوین و تشریح نهاده شده است. اصول نماز در تحقق عدالت که از جمله مؤلفه‌های فرهنگ دینی است، از دو طریق تصور پذیر است:

یک: نماز عامل ایجاد عدالت فردی است و عدالت فردی در مردم و کارگزاران، مهم‌ترین شرط تحقق عدالت اجتماعی است. خداوند متعال نماز را قرار داده است که شعائر اسلامی و معارف اسلامی همچون اخلاص و توحید، ارزش‌های اسلامی، عبادت و نیایش خدا آشکار، ظاهر و مشهود شود؛ زیرا در اظهار این اعمال و علنی‌بودن آن، حجت خداوند بر مردم شرق و غرب عالم تمام می‌شود و چهره منافق و کسانی که نماز را سبک می‌شمارند مشخص می‌شود و وادار به انجام دستورات الهی می‌باشند. هم‌چنین گواهی افراد درباره عدالت و صلاح همدیگر جائز باشد. افزون بر این نماز، نیکوکاری و ترویج فضیلت‌ها را به همراه دارد و بسیاری را از گناه و فساد بازمی‌دارد (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۳۷۲/۵ و ابراهیمی، طهماسبی بلداجی، مرتضوی، قنبری، ۱۳۹۴: ۴۲) بر هر عابد واجب است در عبادت خود، توجه را از غیر عبادت و در بندگی برای خدا توجه را از غیر خدا منقطع سازد، یکی از چیزهایی که غیر خداست همان عبادت اوست، پس عابد نباید به عبادت خود توجه کند زیرا عبادت توجه است نه متوجه‌الیه، و توجه به عبادت؛ معنای عبادت و توجه به خدا بودن آن را از بین می‌برد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۱۰۲).

دو: دو پایه مهم عدالت اجتماعی، «توازن اجتماعی و تکافل عمومی» است. نماز در ایجاد توازن اجتماعی به وسیله شرط‌هایی چون غصبی نبودن مکان، لباس و... تأثیرگذار است. (الفخوری، الجر، ۱۳۷۳: ۵۹۳-۵۳۱) تکافل عمومی نیز از طریق ضمایر جمع در نیایش‌ها، دعاها و اوراد نماز و همچنین نماز جماعت، صورت می‌بندد. در واقع، از یک سو اصلی‌ترین مصداق عدالت و آزادی در رعایت همه حقوق دیگران جلوه‌گر است. از دیگر سو، مهم‌ترین شرط رعایت حقوق دیگران، کنترل درونی است. نماز به عنوان برترین عبادت، در ایجاد این عامل (کنترل درونی) بسیار مؤثر است. بنابراین از یک طرف نماز نقش به سزایی در تأمین آزادی و عدالت اجتماعی دارد و از طرف دیگر، بدون اعتقاد به خداوند، بندگی او و کنترل درونی، تحقق نمی‌یابد. کنترل درونی نیز بدون اقامه نماز، ناقص است؛ زیرا برقراری عدالت و آزادی، بدون سر سپردن به درگاه حق، امکان وقوع حقیقی ندارد. (تقوی، ۱۳۸۵: ۵۱، ۳۳)

اصل امر به معروف

امر به معروف، از فریضه‌های بزرگ دین اسلام است و چه معروفی برتر از نماز. اگر در جامعه‌ای نماز به درستی برپا شود، منکرات از آن رخت برمی‌بندد و زمینه برای پیشرفت، فرهنگ دینی افزایش می‌یابد. از ویژگی‌های مردان خدا، امر به نماز، به عنوان مصداق امر به معروف است. در مورد حضرت اسماعیل (علیه السلام) در قرآن کریم آمده است: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ: و این پیامبر پیوسته خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد» (مریم/۵۵) قرآن کریم خطاب به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله و سلم) می‌فرماید: «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبْرُ عَلَيْهَا: و خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن شکیبا باش» (طه/۱۳۲)

اگر افراد جامعه‌ای خداجو باشند، همگان به سعادت و سلامت رهنمون می‌شوند. امر به نماز در خانواده، راهی است برای نجات خانواده از آتش دوزخ. چنان که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه‌دارید» (تحریم/۶) این آیه، رسالت سنگین پدر و مادر را یادآور می‌شود و آن‌ها را مسئول می‌داند،

هرچند در کنار خانواده، همه متولیان فرهنگی نیز مسئول خواهند بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۸: ۵۱۸) با انجام مسئولیت‌های مسئولین و خانواده‌ها در قبال اوامر و نواهی الهی، به‌خصوص امر به نماز که ازجمله امر به معروف می‌باشد، پیشرفت فرهنگ دینی پایه‌ریزی می‌شود. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به این مسئولیت همگانی این‌گونه اشاره شده است: بدانید همه شما نگهبانید و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آن‌ها هستید، مسئولید. امیر و رئیس حکومت اسلامی نگهبان مردم است و در برابر آن‌ها مسئول است. مرد، نگهبان خانواده خویش است و زن نیز نگهبان خانواده شوهر و فرزندان و در برابر آن‌ها مسئول است و بدانید همه شما نگهبانید و همه شما در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آن‌ها هستید، مسئولید» (ورآم، ۱۳۷۶: ج ۱: ۶).^۱

قرآن کریم برخی از ویژگی‌های یاران خداوند را این چنین برمی‌شمارد: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: (آنان که خدا را یاری می‌کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و (از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند چون می‌دانند که) عاقبت کارها به دست خداست» (حج/۴۱) البته مؤمنان خدا از قدرت و امکانات خویش، از جمله رسانه فراگیر و تأثیرگذار صدا و سیما در جهت ترویج پیشرفت، توسعه، نهادینه کردن و تعالی فرهنگ دینی - که از جمله آن‌ها نماز است - در جامعه می‌کوشند. خود، اهل اقامه نمازند و در محافظت از اوقات نماز کوشا بوده و حق نماز را ادا می‌کرده و موجب تعالی و تجلی انوار آن در زندگی خود و اجتماع می‌شوند (قرائتی، ۱۳۸۰: ۲۵).

۲-۷. اصل نهی از منکر

از آن‌جا که نماز انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است. منشأ همه انحرافات رفتاری و مفسد اخلاقی دوری از نماز است. نماز، کسی را که به انواع وسایل هوسرانی مجهز و پایه‌های حکومت غرایز طغیانگر در کانون وجودش مستحکم و پابرجاست و برای آن‌ها مرزی نمی‌شناسد، کنترل می‌کند (جعفری، ۱۳۹۵: ۳۲) «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ: و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) به‌جای آر، که همانا نماز است که (اهل نماز را) از هر کار زشت و منکر بازمی‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر (و برتر از حدّ اندیشه خلق) است، و خدا به هر چه (برای خشنودی او و به یاد او) کنید آگاه است» (عنکبوت/۴۵).

بازدارندگی از گناه، اثر طبیعی نماز است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقَ هَلُوعاً. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً. وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرٌ مَنُوعاً. إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ: انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده - هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند. و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود. مگر نمازگزاران. آن‌ها که نماز را مرتباً به‌جا می‌آورند» (معارج، ۱۹ تا ۲۳) انسان، حریص و کم‌طاقت و خودخواه است. در بدی‌ها بی‌تابی می‌کند و خوبی‌ها را منحصراً برای خود می‌خواهد؛ مگر نمازگزاران که نمازشان و ارتباطشان با خالق یکتا، آن‌ها را از هر فحشاء و منکری بازمی‌دارد: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ: و آن‌ها که بر نماز مواظبت دارند» (معارج/۳۴). نمازگزارانی که نماز را با حفظ ظاهر آن (آداب، شرایط، ارکان و خصوصیات آن) و حفظ روح آن (حضور

۱. «أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ فَلَا مِيرَ أَلَدَى عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

قلب) به طور دائم می خوانند. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله و سلم) چنین آمده که فرمود: «کسی که نمازش او را از فحشاء و منکر باز ندارد هیچ بهره‌ای از نماز جز دوری از خدا حاصل نکرده است!» (قمی، ۱۳۸۸: ج ۲: ۱۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹: ۱۹۸) ^۱ امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده یا نه؟ باید ببیند آیا این نماز او را از زشتی‌ها و منکرات باز داشته یا نه؟ به همان مقدار که باز داشته نمازش قبول است!» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲: ۲۸۵). ^۲

نمازی که برای انجام آن از ابتدا، انسان خود را از هرگونه آلودگی پاک کرده و حرام و غضب را از خود دور می سازد و با حمد، تسبیح، تکبیر و سلام بر خداوند، مقام اولیاء، بندگان صالح خدا، درجات مردان خدا، عذاب الهی، کیفر خطاکاران، حساب‌های دقیق و بی اشتباه روز رستاخیز را به یاد می آورد و با قیام در مقابل خدا، او را از هر چیز برتر و بالاتر می شمرد و با یاد نعمت‌هایش او را سپاس می گوید و از او صراط مستقیم را می طلبد، بدون شک انسان را متوجه جهان معنوی کرده و در درونش جنبشی به سوی حق و پاکی پیدا می شود و او را از خودخواهی و دنیاپرستی بازمی دارد و با تواضع در مقابل ذات لایزال الهی، عشق به جاه و مقام، کنار می رود و در این حال پیشرفت فرهنگ دینی را موجب می شود. در نتیجه نباید کسی را که نماز می خواند ولی به موارد ذکر شده اعتقاد و ایمان ندارد نمازگزار نامید و انتظار رشد دینی و فرهنگی را از او داشت (حکیمی، ۱۳۷۹: ۶)

اصل امنیت

همه برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دین اسلام، به دنبال امنیت و ثبات فرهنگی و اجتماعی است تا فرد و جامعه را ارتقا داده و آن‌ها را از آسیب دور نگاه دارد و با رشد درونی و معنوی افراد، آن‌ها را با حقوق خداوند و حجت‌هایش، حقوق خود افراد و اجتماعشان آشنا کند. سپس فهمی در عقل و عمل، حاکم شود تا فرهنگ رعایت حقوق، حاکم شود و امنیت فرهنگی در سایه تعالیم الهی فراگیر شود. خداوند متعال می فرماید: «**أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**: نماز را مخصوصاً برای یاد من به یادار» (طه/۱۴) بدین ترتیب نسبت آیه با اصل امنیت این است که بندگان راستین پروردگار، در پرتو نماز و راز و نیاز با خالق خویش، از هرگونه نگرانی رهیده و هرگز خود را «بی‌پناه» و «بی‌کس» نمی دانند؛ چراکه هر صبح و شام نماز به آنان یادآوری می کند که بالاترین امنیت‌ها، قدرت‌ها، ناظر احوال ایشان است و پشتیبانشان در طی طریق زندگی، و همچنین واژه‌ی «**صلاه**» در این آیه و بعد از آن واژه‌ی «**لذکری**» که مضاف به یاء متکلم شده نشان می دهد نماز یک دژ و حصار برای انسان است که سبب امنیت آن می شود چراکه منجر به دوری از گناهان و سیئات می گردد. حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمودند: «بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنان آن امنیت نداشته باشند.» (حسینی دشتی، بی تا، ج ۲: ۵۲۳).

نماز مقبول از عمق انسان، چشمه زلالی را فوران می دهد که افراد جامعه در رابطه با خداوند اصلاح می شوند و در عقل و عمل آگاه شده و حقوق خود و مردم و آفریدگار و حجت‌هایش را رعایت می کنند و در سایه آن امنیت فرهنگی ایجاد، پیشرفت و تعالی پیدا خواهد کرد. (شایسته، ۱۳۹۸: ۳۸۷) بنابراین وقتی امنیت برای تک تک افراد از قبل نماز حاصل شود، این امنیت به تمام مردم جامعه سرایت می کند. نماز به عنوان مظهر بندگی خداوند، و زمینه‌ساز امنیت در زندگی مادی و معنوی و پیشرفت فرهنگ دینی است. «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**: آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام

۱. «مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ، لَمْ يَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بَعْدًا»

۲. «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تَقْبَلْ، فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ قَبْلَتْ مِنْهُ»

بخش دل هاست» (رعد/۲۸) بدین سان، مکاتب، ایدئولوژی‌ها و سیاستمدارانی که بخواهند بدون توجه به امور قدسی از جمله نماز و امنیت حاصل از آن، به شعارهای خود جامعه عمل بپوشانند، دیر یا زود شکست خواهند خورد.

۳. نتیجه گیری

هدف از آفرینش انسان، احکام و عبادات دینی بندگی حق تعالی و نزدیک شدن به معبود بوده و نماز بهترین وسیله تقرب و نزدیکی به خداست. ولی تردیدی نیست که همه وسایل و وسائط به صورت یکسان و یکنواخت انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند. بلکه هر کدام دارای درجات و مراتب می‌باشند، آنچه که از متون دینی بر می‌آید این است که تأثیر نماز به مراتب بالاتر و بیشتر است. بر اساس معیار دین اسلام، نماز بر هر مسلمان واجب می‌باشد و افراد جامعه دینی می‌بایست بنای فرهنگی و اصلاحی خود را بر نماز استوار کنند تا با اصلاح فردی و اجتماعی در زمینه فرهنگ دینی نمود پیدا کنند و ایمان انسان ساخته و پرداخته شود. با اصلاح روزافزون دینی، فرهنگ دینی در اجتماع پیشرفت و متعالی گشته و موجب پیشرفت معنوی و البته اجتماعی، مادی، و... انسان‌ها فراهم می‌شود. توسعه فرهنگی از دیدگاه اسلام زمانی تحقق می‌یابد که تنوع و تکثر با اندیشه، اخلاق و عمل همراه با انسجام بر محور تکامل پرستش اتفاق افتد. حیات یک ملت در گرو حیات فرهنگی آن است. فرهنگ دینی در حکم یک دیدگاه الهی مدون، نسبت به جهان، فلسفه‌ای زنده با اصول مخصوص به خویش است که پیام‌آور ارزش‌های فراموش شده‌ای می‌باشد. آنچه به عنوان یافته پژوهشی از این تحقیق استنباط می‌شود این است که، نماز آگاهانه و با شرایط که برنامه نظام تربیتی اسلام برای مسلمانان است در صورت انجام صحیح و روشمند معجزه و اکسیری است برای اصلاح فکری، کاربردی، فردی، اجتماعی و... و دین اسلام این را از تک تک افراد مسلمان می‌خواهد که با انجام صحیح و روشمند نماز، پاسخگوی افکار، حرف‌ها و اعمال خود بوده و زمینه توسعه فرهنگ دینی را فراهم آورند. دستیابی به جامعه‌ای با فرهنگ متعالی، به معنای ایجاد یک آرمان شهر یا مدینه فاضله دور از دسترس نیست؛ بلکه با اجرای دقیق تعالیم الهی، ایجاد جامعه‌ای با فرهنگ متعالی امری بدیهی و ضروری می‌باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- ابراهیمی، ابراهیم، طهماسبی بلداجی، اصغر، مرتضوی، سیدابراهیم، قنبری، لیلا (۱۳۹۴). «بررسی نقش نماز در جهت‌دهی به سبک زندگی اسلامی در سیره رضوی»، فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۴۲.
- الفاخوری، حنا، الجر، خلیل (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه در جهان اسلامی؛ ترجمه و تشخیص: عبدالحمید آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- امید، سلمان (۱۳۹۰). «نماز و آثار مادی و معنوی آن»، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۲۲، ص ۶.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ روز سخن؛ تهران: انتشارات سخن.
- باقی زاده، رضا (۱۳۷۸). برگی از دفتر آفتاب؛ قم: نشر مشهور. چاپ اول.
- پور رستمی، حامد (۱۳۹۵). «چیستی و ترابط معنایی «فرهنگ» و «دین» در «فرهنگ دینی»، نشریه اندیشه نوین دینی، شماره ۴۷، ص ۱۱.
- تقوی، سید رضا (۱۳۸۵). رسالت و جایگاه نماز جمعه؛ تهران: موسسه فرهنگی نورالائمه (علیه‌السلام)، به سفارش نشر نخیل.
- جعفری، شهین (۱۳۹۵). اهمیت و آثار نماز در زندگی انسان؛ تهران: انتشارات قانون یار.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۱۳۷۸). تکاپوگر اندیشه‌ها؛ تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). انسان و دین، ماهنامه پاسدار اسلام، دوره ۲، شماره ۲۲۳، صص ۸-۵.
- حسینی دشتی، سید مصطفی، بی تا. فرهنگ معارف و معاریف؛ تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۹). دانش مسلمین؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ دهم.
- خلیلی، مصطفی (۱۳۸۶). نقش نماز در شخصیت جوانان، قم: نشر زائر. آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام. چاپ چهارم.
- دهخدا، علی اکبر و همکاران (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا؛ تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. (چاپ اول از دوره جدید).
- روح الامینی، محمود، بی تا. زمینه فرهنگ شناسی (تألیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی)؛ تهران: انتشارات عطار.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۹). تفسیر کشاف؛ مترجم: مسعود انصاری خوشابر. ج ۱، تهران: انتشارات ققنوس. چاپ اول.
- شایسته، منصوره (۱۳۹۸). مهارت حضور در نماز؛ تهران: انتشارات نیستان. چاپ اول.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۴). مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران؛ تهران: انتشارات طبع و نشر.
- عزیزی، عباس (۱۳۸۹). آثار و برکات نماز در دنیا و برزخ و قیامت؛ قم: انتشارات صلاه. چاپ ششم.
- عمید، حسن (۱۳۴۲). فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ اول.
- قرائتی، محسن (۱۳۶۹). راز نماز، برای جوانان؛ بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۸۰). یکصد و چهارده نکته درباره نماز؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- (۱۳۸۷). تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مظاهری، حسین (۱۳۹۳). ارتباط عاطفی با خداوند؛ اصفهان: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (سلام الله علیها).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). تفسیر نمونه؛ ج ۳، ۱۴ و ۲۷، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۴). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه).
- واعظی، احمد (۱۳۸۶). حکومت اسلامی در سنامه اندیشه سیاسی اسلام؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم. چاپ پنجم.
- وثوقی، فاطمه (۱۳۸۰). آثار فرهنگی، اجتماعی و تربیتی نماز جماعت، ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۴۰، ص ۳۹.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۶۳). الخصال؛ ترجمه: احمد، زنجانی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- (۱۳۸۵ق). علل الشرائع؛ قم: انتشارات المكتبة الحیدریه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)؛ تحقیق: محمدحسین شمس الدین، ج ۸، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون. چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب؛ ج ۱۵ و ۱۴، بیروت: انتشارات دار صادر. چاپ سوم.
- اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق). المومن؛ قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
- برقی، احمد بن محمد (۳۷۱ق). المحاسن؛ ج ۱، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه. چاپ دوم.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۲). تحفه العقول؛ قم: انتشارات دارالحدیث.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسایل الشیعه، کتاب الصلوه؛ ج ۴، قم: نشر مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث. چاپ سوم.
- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق). التفسیر الحدیث؛ ج ۲، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن، قم: دفتر نشر کتاب. چاپ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی التفسیر القرآن؛ ج ۸ و ۱۴ و ۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). تفسیر مجمع البیان؛ ج ۲ و ۲۸، تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم.

- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر عیاشی؛ تهران: انتشارات مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین؛ ج ۷، قم: انتشارات هجرت. چاپ دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن؛ ج ۲۰، تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۸). تفسیر قمی؛ تهران: انتشارات خانه کتاب.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰). الکافی؛ ج ۴، قم: انتشارات دار الحدیث للطباعه والنشر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار؛ ج ۷۹ و ۷۰، بیروت: مؤسسه الوفاء. چاپ دوم.
- ورام، ابوالحسن (۱۳۷۶). مجموعه ورام؛ قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

